

درباره کودک یا برای کودک؟

کتاب «عروسی»، با عنوان فرعی «مجموعه طرح‌های کوتاه برای کودکان»، نوشته فریبرز لرستان، شامل ۱۳ طرح کوتاه می‌شود که به ادعای نویسنده، برای کودکان نگاشته شده است.

اولین نکته‌ای که در برخورد با این کتاب به ذهن می‌رسد، مسئله همخوانی ژانر «طرح» یا «طرحواره» و ادبیات کودک است. برای حل این مسئله، باید به دو سؤال پاسخ گفت: (۱) کودک از متن چه می‌خواهد؟ (۲) آیا طرح یا طرحواره، به عنوان یک ژانر ادبی، می‌تواند خواست‌های کودک را بر آورده کند؟

«کودک، به تدریج می‌تواند فعالیت‌های ذهنی و عالی انجام دهد. به این معنا که افکار کودک بین ۶-۱۲ سالگی به تجارب عملی وی بستگی دارند، ولی بعدها او می‌تواند تا حدی، به تجرید و تعمیم پردازد و از آن چه احساس می‌کند، افکاری را منتزع کند...»^۱

«کودک، پیش از ورود به دبستان، می‌تواند ارقام، الفاظ، صورت‌ها و... را که به زندگی روزنامه او مربوط می‌شوند، به یاد آورد...»^۲

در واقع باید گفت آن چه در ذهن کودک وجود دارد، همه امور غیر انتزاعی و به عبارتی صورت‌های بازنمایی شده اشیا بیرونی است. بنا بر شهادت روان‌شناسان کودک، افسانه در این مرحله، سنی، از انتزاع عاجز است و مفاهیم پیچیده و کلی را غیر قابل هضم می‌یابد.

پس در مرحله شنیدن، فقط دو نوع گفتار برای کودک قابل هضم است: (۱) اوامر و دستورهای عینی (۲) بازگویی اتفاقی‌هایی که رخ داده است. در واقع، برای فهم کودک، همین دو نوع گزاره مناسب است.

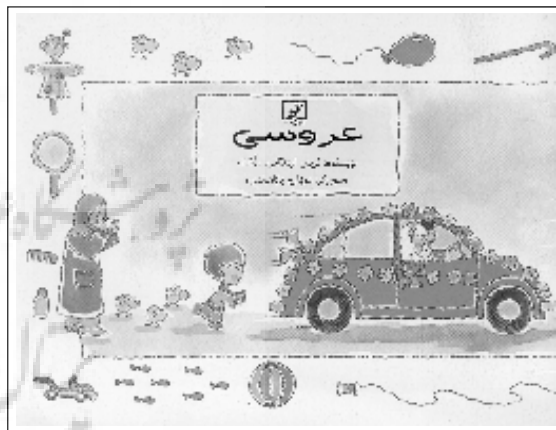
اما بیابید موقعیت خاص تری را در نظر بگیریم. کودک گوش فرا می‌دهد و یک فرد بزرگ‌تر (با مفهومی که از بزرگ‌تر در ذهن کودک وجود دارد)، مشغول خواندن متنی برای کودک است. باید با دقت ویژه‌ای این موقعیت را بررسی کرد. نکته اول، این است که در این گونه موقعیت‌ها کودک با «مکتوب» یا «نوشتار» (در معنای دریدایی‌اش) آشنا می‌شود. نکته دوم، این که از نظر کودک مولف مستتر متن، کسی جز همان خواننده بزرگ‌تر متن نیست. بنابراین، این راوی متن به وضوح در موقعیتی دوگانه قرار می‌گیرد. از یک سو، او گوینده متن است و از سوی دیگر، بزرگ‌تری است که متن را می‌خواند و بنابراین، از نظر کودک، به متن متعهد است. و این تفاوت بزرگ قصه‌خوانی از روی کتاب و قصه‌خوانی شفاهی است.

بنابراین و با این موقعیت دو گانه خواننده متن، کودک به ناچار، این دو را از هم جدا می‌کند. یعنی از یک سو، اتفاقات و پیرنگ متن، به متن اطلاق می‌شود و از سوی دیگر، نتیجه‌گیری‌ها و بایدها و نبایدها به خواننده متن مستند می‌گردد. به عبارت دیگر، آن چه خواننده کودک یک متن، از آن می‌فهمد و می‌خواهد، پیرنگ به مثابه سلسله اتفاقات رخ داده در متن است و هر چه بیرون از آن قرار می‌گیرد، در واقع، از سوی کودک به متن استناد نمی‌شود، بلکه به بزرگ‌تر و راوی متن که اساساً در ذهن کودک مفهومی اقتدارگرا دارد، استناد می‌شود.

اگر بخواهیم کم فلسفی‌تر صحبت کنیم، متنیت متن، برای یک کودک، در پیرنگ آن نهفته است و حدود آن را نیز، همین پیرنگ مشخص می‌کند. ادامه این بحث، در حوصله این مقاله نیست و من تنها به ذکر این نکته اکتفا می‌کنم که این گروه خوردگی متن، به عنوان محمل غیاب^۳ در اندیشه دیدار پیرنگ به عنوان ساختار نهایی ذهن در مباحث پل ریکور^۴ می‌تواند روشنگر نکات بسیاری درباره متن و اندیشه زبانی باشد.

اما نکته‌ای که شاید مطرح شود، برخورد کودک با شعر است، نکته‌ای که باید خاطر نشان کرد، این است که شعر تنها در دو صورت با کودک ارتباط برقرار خواهد کرد. یا شعر، شعری روایی و در واقع، روایتی منظوم است که در آن صورت، روایت آن در مرحله اول، مورد توجه کودک قرار می‌گیرد و یا این که چنان منظوم و آهنگین

○ حسین شیخ الاسلامی



- عنوان کتاب: عروسی
- نویسنده: فریبرز لرستان
- تصویرگر: مرجان بابامرندی
- ناشر: کتاب‌های هدهد (وابسته به نشر مدینه)
- نوبت چاپ: اول ۱۳۸۰
- شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۳۲ صفحه
- بها: ۳۸۰ تومان

است که در واقع، به مثابه موسیقی، توسط کودک ادراک می‌شود و معنای آن اصلاً توسط کودک فهم نمی‌شود. بهترین و روشن‌کننده‌ترین مثال در مورد دسته دوم، آگهی‌های تبلیغاتی است که بسیار هم مورد توجه کودکان قرار می‌گیرد و گاه حتی دیده می‌شود کودک مشغول زمزمه کردن شعری است که به ویژگی‌های فنی یک نوع بخاری خاص می‌پردازد!

و اما به غیر از پیرنگ، عنصر دیگری هم باید در متون کودک وجود داشته باشد. هر کودک در دنیایی زندگی میکند که بزرگسالان بر آن تسلط دارند و او به ناچار، زیر سلطه و فشار این اجتماع قرار می‌گیرد و برای تخفیف این فشار، به استعداد تخیل پناه می‌برد و با خیال خویش، از حدود زمان و مکان و واقعیت و منطق تجاوز می‌کند و بر محیط‌های خود، رنگ‌های سحرانگیز عجیب می‌دهد که با آرزوها و رویاهای بیداری او هماهنگ هستند.^۵

در واقع، تخیل، نه عنصری اضافی و تزئینی، بلکه مؤلفه لازم هر متن متعلق به کودک است. آن چه کودک به را متن راغب می‌کند، تخیل است، در واقع، متن برای جذب کودک، باید نشان دهد که از جهان منطق بزرگ‌ترها تبعیت نمی‌کند و به عبارت دیگر، متن باید خود را هم چون گریزگاهی برای کودک تصویر کند تا کودک با متن همدم شود و آن را بر دیگر فعالیت‌های خود ترجیح دهد.

«اما «طرح» یا «طرحواره» دقیقاً الزاماتی بر عکس دارد. از این رو، طرح، به طور مشخصی جنبه توصیفی دارد و داستان، رشته حوادثی خاص را دنبال می‌کند.»^۶ بنابراین، آن چه در طرح هدف در نظر گرفته می‌شود، حذف کامل پیرنگ است. اگر چه به نظر بعضی، این غیر ممکن است.^۷ و با برجسته کردن یک موقعیت خاص و برشی عرضی از مقطعی از زمان و حذف کامل قبل و بعد آن، می‌کوشد با آگرانندیسیان آن موقعیت ممتاز، حداکثر توجه خواننده خود را به آن معطوف کند.

به این ترتیب، تخیل نیز در این ژانر، کم‌ترین ارزش را پیدا می‌کند. تنها چیزی که اهمیت دارد، موقعیت است و تخیل، از آن‌جا که اساساً مستلزم نوعی عدم یقین، شک و ابهام است، از این ژانر حذف می‌شود و توصیف جزئی و اگر نگوئیم رئال، با لحن رئال و واقع‌گرایانه، عملاً عنصر تخیل را از این ژانر طرد می‌کند و نویسنده باید با دقتی خاص و البته، با استفاده از تمهیداتی ویژه، این بزرگ‌نمایی را معقول نشان دهد و حس آن را بخواننده منتقل کند.

عملاً می‌بینیم که به وجود آوردن «طرح برای کودکان» غیر ممکن است، اما فریبرز لریستانی، نویسنده کتاب «عروسی»، بدون توجه به این مبانی تئوریک و تناقض ما بین «طرح» و «ادبیات کودک»، کوشیده است که این دو را به هم پیوند دهد.

ماحصل کار وی، البته چیزی جز ناکامی نیست. آن چه توسط کودک، از این

متون فهم می‌شود، جز پیرنگی ساده و بدور از جذابیت نیست. برای داوری بهتر، یکی از این طرحواره‌ها را به عنوان نمونه، با هم می‌خوانیم،

پیر مرد آینه فروش

سر کوچه ما، پیر مرد دستفروشی آینه‌های کوچک و قشنگی می‌فروشد. وقتی با دستمال آینه‌ای را پاک می‌کند، آینه را رو به روی صورتش می‌گیرد. خودش را که در آینه می‌بیند، دندان مصنوعی‌اش را با زبان تکان می‌دهد. یک دفعه می‌خندد و بعد آینه را سر جایش می‌گذارد. دبروز که با مادرم به خرید رفتیم، از مادرم خواستم که از پیر مرد آینه بخرد. وقتی من و مادرم به آینه‌ها نگاه می‌کردیم، پیر مرد رو به روی یک آینه می‌خندید. پیرزنی که از آن جا رد می‌شد، گفت: «بیچاره آن قدر به آینه نگاه کرده که دیوان شده!» ناگهان مادرم دستم را کشید و گفت: «بعد می‌خریم!» و با عجله، به طرف خانه به راه افتاده من هنوز ناراحت هستم و دلم می‌خواهد هر چه زودتر، از پیر مرد آینه بخریم. چون او توی تمام آینه‌ها خندیده است.^۸

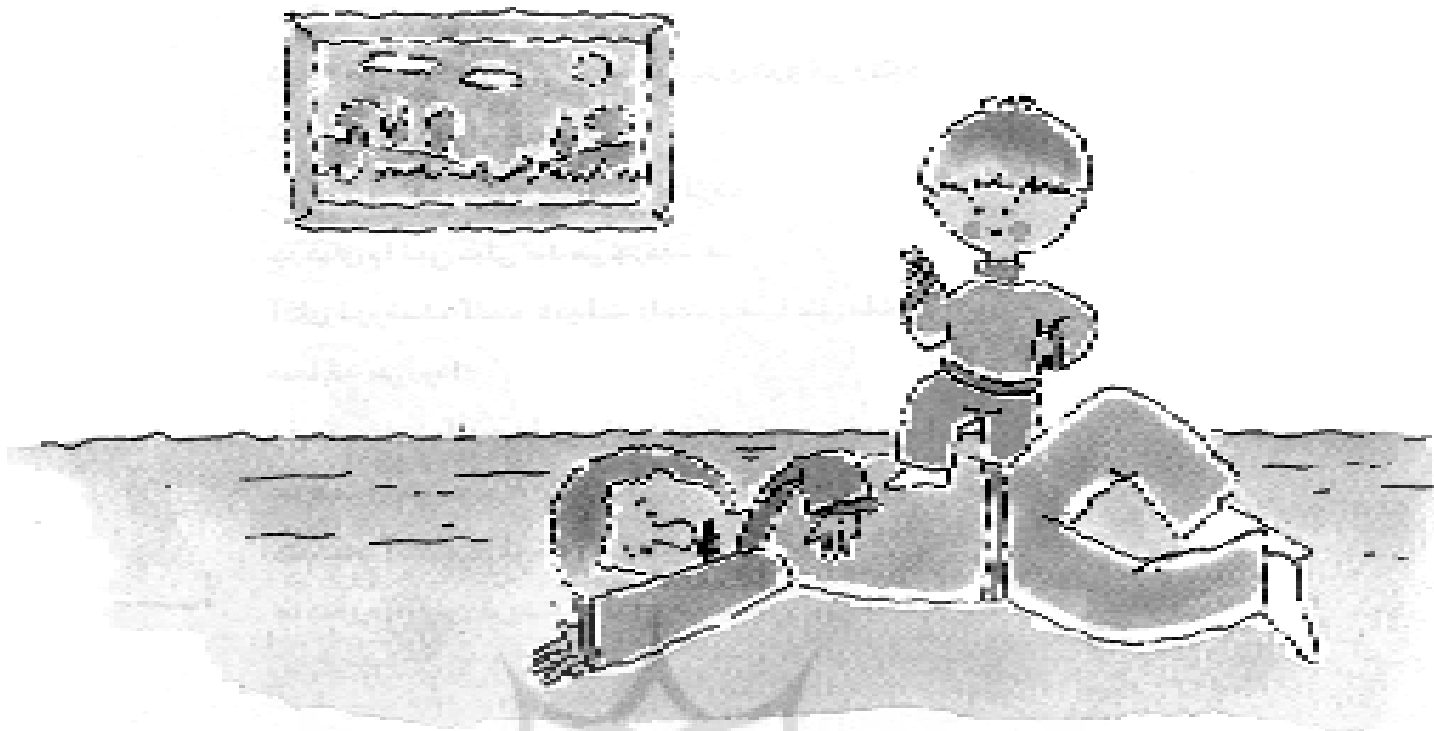
همان گونه که در این متن می‌بینیم و در متون دیگر این کتاب نیز مشخص است، از آن‌جا که نویسنده خود نیز به این امر آگاهی داستان که یک موقعیت صرف، نمی‌تواند موضوعی برای ادبیات کودک باشد، موقعیت (در این داستان، خندیدن پیر مرد در تمام آینه‌ها) را به ناچار در یک پیرنگ گنجانده است، اما کوشیده تاکید خود را بر همان موقعیت خاص، همچنان حفظ کند.

از سویی دیگر، بررسی برخورد کودک با این متن نیز می‌تواند جالب باشد. همان گونه که گفتیم، برخورد کودک با هر متن، صرفاً از لحاظ پیرنگ انجام می‌پذیرد. بنابراین، این متن در ذهن کودک، این گونه برگردان می‌شود: «من پیر مردی را می‌شناسم که آینه می‌فروشد، روزی با مادرم رفتیم که از او آینه بخریم، اما مادرم وقتی شنید کسی به وی گفت دیوانه، از خرید آن منصرف شد و من از این قضیه ناراحت هستم.»

نکته این جاست که کودک، اساساً چیزی از شاعرانگی خندیدن پیر مرد در آینه و علت منصرف شدن مادر از خرید آن نمی‌فهمد. بنابراین، به سادگی، به جذب این عناصر از متن اقدام می‌کند و در واقع، این متن را به پیرنگ عادی و بی رنگ و بوی آن تقلیل می‌دهد.

اما از آن‌جا که نویسنده، قصد تاکید بر موقعیت را داشته، پیرنگ‌ها هیچ کدام با دقت طراحی نشده و در اکثر مواقع، طرح‌هایی کاملاً عادی و بی رنگ و بو برای کودک طراحی شده است. ضمن این که در بیشتر طرح‌ها، سرانجام این جهان بزرگ‌ترهاست که بر جهان کودکان پیروز می‌شود و کودک، با همان فشار بیدریغ جهان منطقی و واقعی مواجه است. این موضوع، البته، باعث سرخوردگی وی از این





مترسک

پدربزرگ یک مترسک توی مزرعه گذاشته است. مترسک سر پا ایستاده است و با چشم‌های کوچکش مرا نگاه می‌کند و می‌خندد. من می‌گویم: «مترسک تو که می‌خندی! باید اخمو باشی تا کلاغ‌ها از تو بترسند و گندم‌ها را نخورند» اما مترسک، فقط مرا نگاه می‌کند و می‌خندد. من می‌گویم: مترسک، تو که می‌خندی، من دلم می‌خواهد با تو دوست شوم، اما من کلاغ نیستم و کاری نمی‌کنم که پدربزرگ از تو عصبانی شود. «مترسک باز مرا نگاه می‌کند و می‌خندد. کمی فکر می‌کنم و بعد می‌پرسم: یعنی کلاغ‌ها معنی دوستی را می‌فهمند؟ مترسک در باد می‌خندد و باز با آن چشم‌های کوچکش می‌خندد.»

متون خواهد شد. به پایان‌بندی دو قطعه «آرایشگاه» و «کشتی» توجه کنید: «از دوستم ناراحت شدم. دلم می‌خواست آقای سلمانی سر او را هم با دست فشار بدهد و به او بگوید: تو هم کم بخند!»^۹

«من می‌دانم پدرم خودش را شل می‌کند تا روی زمین بیفتد. آخر او یک مرد است و زورش زیاد است.»^{۱۰}

جالب این که هیچ نشانه‌ای از عنصر تخیل، در این قطعات مشهود نیست. و نویسنده، این عنصر را کاملاً از این داستان‌ها حذف کرده و از آن گذشته است. ضرورتی ندارد تذکر دهیم که این امر تا چه حد می‌تواند باعث بیزاری کودک از متن شود.

و سرانجام، این که این قطعات، می‌تواند گفته‌های دو کودک به هم باشد که برای هم، از وقایعی که بر ایشان اتفاق افتاده، صحبت می‌کنند. بنابراین، هیچ نشانی از «متن برای کودک»، با توضیحی که پیشاپیش راجع به تصور کودک از متن گفتیم، ندارد.

اما اگر این متون، متون کودک نیستند، پس در چه ژانری قرار می‌گیرند؟ به نظر می‌رسد که فریبرز لרستانی، در تشخیص ادبیات کودک، دچار اشتباهی بزرگ شده است. در واقع، وی متوجه تفاوت دو امر «برای کودکان نوشتن» و «درباره کودکان نوشتن» نبوده است. کتاب «عروسی»، کتابی نوستالژیک است در باب کودکان و می‌کوشد لحظات و موقعیت‌های کودکی را بازنویسی کند. اما دقت نکرده است که هیچ کودکی، از نوستالژیک و عاطفی بودن موقعیت‌هایی که از سر می‌گذراند، با خبر نیست و هیچ لذتی از بازشنوی وقایعی که ممکن است لحظاتی پیش برای خود وی اتفاق افتاده باشد، نمی‌برد. از دیگر سو، این قطعات برای بزرگسالان نیز مناسب نیست؛ زیرا همه چیز آن، از زبان و لحن روایت گرفته تا تصویرگری و نوع چاپ، خبر از کودکانه بودن اثر می‌دهند. بنابراین، بزرگسالان اساساً با کتاب درگیر نمی‌شوند. در اصل این قطعات، قطعاتی دوگانه‌اند؛ به این معنا که از خواص صوری آثار کودکان بهره می‌برند، در حالی که اصلاً مضمون نهایی کودکانه را در خود نمی‌یابند. علی‌رغم تمام اشکالات، قطعه آخر این کتاب که بدون کم و کاست، یک «طرحواره» کامل محسوب می‌شود، از چنان موقعیت عاطفی خاصی حرف می‌زند که بی‌اختیار، هر بزرگسالی را چند لحظه‌ای، به دوران کودکی خود می‌برد. ضمن این که یاد آوری می‌کنم این قطعه نیز مانند تمام قطعات دیگر، به هیچ عنوان کودکانه نیست. به علت قوت فوق‌العاده نوستالژیک آن، بی‌مناسبت نمی‌بینم در انتهای مقاله، متن کامل آنرا به عنوان «حسن ختام» بازنویسی کنم.

پاورقی‌ها:

۱. علی اکبر شعاری‌نژاد، روان‌شناسی رشد، انتشارات اطلاعات، ص ۲۰۲
۲. پیشین ص ۲۰۳
۳. ر. ک. مباحث دریدا، دربارۀ نوشتار، از جمله:
- کریستوفر نوریس، شالوده شکنی، ترجمه پیام یزدانجو
- دکتر محمد ضمیران، دریدا، متافیزیک حضور
۴. ر. ک. مباحث ریکوو، در باب زمان
۵. روان‌شناسی رشد ص ۲۱۲
۶. جمال میرصادقی، ادبیات داستانی ص ۳۴۴
۷. ر. ک. مباحث ریکوو، در این باب
۸. کتاب «عروسی»، نوشته فریبرز لرستانی، پیر مرد آینه فروش
۹. پیشین، قطعه آرایشگاه
۱۰. پیشین، قطعه کشتی
۱۱. پیشین، قطعه مترسک

